

درآمدی بر

حديقة الحقيقة سنایی غزنوی

(بررسی و تحلیل حکمی - عرفانی حقیقه سنایی)

تألیف:

بهمن محمدصادق زاده سنایی

(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی)

سرچیناسه	: محمدصادق‌آباد سنایی، بهمن، ۱۳۴۶
عنوان قرارداد	: حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه . شرح
عنوان و نام پدیدآور	: درآمدی بر حدیقه الحقیقه سنایی عربوی: (بررسی و تحلیل حکمی- عرفانی حدیقه سنایی)/ تألیف بهمن محمدصادق‌آبادسنایی
مسئخصات نشر	: تهران: منشور سمی، ۱۳۹۵.
مسئخصات طاهری	: ۱۷۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۰۰-۳۴-۵
وصفیت فهرست نویسی	: فنا
یادداشت	: کتابنامه: ص: ۱۶۹ - ۱۷۲: همجنس به صورت ربرنویس.
عنوان دیگر	: بررسی و تحلیل حکمی- عرفانی حدیقه سنایی.
موضوع	: سنایی، محدودی آدم، ۲۷۲ - ۵۲۵ق. . حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه -- نقد و تفسیر
موضوع	: Sanai, Majdud ibn - Adam, Hadiqat al - Haqiqah va Shari'at al - Tariqah -- Criticism and interpretation
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۶ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- 12th century -- History and criticism
موضوع	: شعر عرفانی فارسی -- قرن ۶ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: Sufi poetry, Persian -- 12th century -- History and criticism
شناسه افزوده	: سنایی، محدودی آدم، ۲۷۲ - ۵۲۵ق. . حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه . شرح
رده بندی کنگره	: ۱۲۹۵ م/۲۵۴۴ PIR
رده بندی دنیوی	: ۲۲/۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۰۷۵۲۷



امشارات مشور سمیر

درآمدی بر حدیقه الحقیقه سنایی غزنوی

(بررسی و تحلیل حکمی- عرفانی حدیقه سنایی)

تألیف: بهمن محمدصادق‌آبادسنایی

(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی - اهر)

ناشر: منشور سمیر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول-۹۵

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۰۰-۳۴-۵

www.manshoorsamir.i

شماره های تماس: ۰۹۳۶۱۷۷۷۱۱۹ - ۰۶۶۹۴۶۶۵۶

تاریخ چاپ: ۱۳۹۵، امشارات مشور سمیر

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

مقدمه

- هدف‌ها، شیوه نگارش و تدوین ۲
- شرح احوال و معرفی اجمالی سنایی غزنوی ۴
- ارزش حقیقه الحقیقه ۱۱

فصل اول: معرفت

- معرفت عارفانه و پیوند آن با معرفت حکیمانه ۲۲
- اعتقاد صریح ربانی اسماء الهی ۲۵
- تقدم خداوند به مراتب معرفت ۲۶
- انسان والاترین آیه معرفت ۳۰
- مراتب معرفت به روش جان و تطبیق آن با سخنان سنایی ۳۳
- دین و حکمت دینی ملازم همه مراحل معرفت ۴۰
- تأثیر تجرید دل در معرفت ۴۲
- دل شکسته تجلی‌گاه خدا ۴۵
- پیامبران خدا اسوه‌های مجاهده و معرفت ۴۶

فصل دوم: مقامات عرفانی و تهذیب اخلاق

- توبه ۵۰
- ورع ۵۴
- تجرید ۵۷
- زهد ۶۴
- فقر ۷۷

توکل ۸۹

رضا و تسلیم ۸۹

فصل سوم: حالات و مراحل آن

وجد و سماع ۹۸

خلوت و خاموشی ۱۰۱

تأثیر نماز - ادقانه در رسیدن به حال عارفانه ۱۰۴

حفظ و مراقبه ۱۰۵

خوف و رجاء ۱۰۸

شوق و انس ۱۱۰

یقین ۱۱۲

ذکر ۱۱۳

فصل چهارم: عشق عارفانه

عشق و روح ۱۱۹

جبری بودن عشق ۱۲۱

رهبری عشق و شروط آن ۱۲۲

وارستگی از تعلقات ۱۲۲

مرگ ارادی ۱۲۳

تبیین عشق از سنایی و تفسیر آن از عین القضات ۱۲۷

استقبال از بلاهای راه عشق و معشوق ۱۲۸

اظهار ظل و نیاز بر معشوق ۱۳۲

دوست داشتن قریبان و مشابهان معشوق ۱۳۴

نتیجه و نهایت عشق ۱۳۵

رفع تضادها و تساوی کفر و ایمان ۱۳۶

وصال و یگانگی عاشق و معشوق، جلوه وحدت وجود ۱۳۸

نظر سنایی درباره افشای سر عشق و وصال ۱۴۱

فصل پنجم: خردگرایی

تعریف عقل ۱۴۳

دیدگاه سنایی در معانی عقل و خردگرایی ۱۴۴

بازشناسی عقلا حریف عقل معاش ۱۴۷

عقل دین ۱۵۴

فصل ششم: عشق و عقل

تقابل و جدال عشق و عقل ۱۶۰

عقل مردود و مقبول در عرفان ۱۶۰

مقایسه عشق و عقل ۱۶۲

فهرست منابع و مآخذ ۱۷۲

هدف‌ها، شده نگاهش و تدوین

مقصود از این پژوهش فراهم آوردن رساله‌ای است که اندیشه‌های حکمی - عرفانی سنایی را در حدیقه‌الحقیقه نشان دهد و گونه‌ای جبره‌های گوناگون حکمت و عرفان اسلامی را در گستره‌ی ادب به نمایش بگذارد و دانش‌پژوهان سرزنش و ادب‌فانی را در درک و دریافت مبانی و تعالیم حکمی و عرفانی حدیقه‌الحقیقه سنایی به اختصار یاری رساند. بر این اساس، اصول پژوهش حاضر در این دو سؤال قرار گرفته است:

۱. عصاره‌ی اندیشه‌ی سنایی در حدیقه‌الحقیقه چیست؟

۲. سنایی به عنوان یک شاعر حکیم و عارف چه پاسخی به سؤال‌های اساسی انسان درباره خدا و نظام هستی می‌دهد؟

سعی شده است به سؤال‌های مذکور تحت عناوینی چون معرفت، تهذیب اخلاق، مراحل سیر و سلوک و عشق، به طور مبسوط در این رساله پاسخ داده شود و مجموعه‌این پاسخ‌ها که طرح کلی عرفان و حکمت سنایی را در حدیقه در برخواهد داشت و شامل مطالب زیر خواهد بود:

۱. ارائه منسجم موضوعات اساسی عرفانی - حکمی مطرح شده در حدیقه.
 ۲. تحلیل و تفسیر ابیاتی که بیانگر چارچوب و اصول اساسی عرفان آمیخته با حکمت در حدیقه است.
 ۳. تفسیر برخی معانی و اصطلاحات عرفانی - حکمی مطرح شده در حدیقه.
- البته پرداختن به مسائل کلی مانع از ذکر جزئیات نبوده است و در حد وسع، مراحل سیر و سلوک و هر آن چه می‌توانست از تلفیق حکمت و عرفان در اثر سترگ سنایی باشد تعقیب شده است، بدین ترتیب بعد از ذکر هر عنوان، مطالب جزئی آن یا به صورت پیوسته در ذیل همان عنوان بیان شده و یا در صورت لزوم به عناوینی جزئی‌تر تقسیم شده است و عناوین موضوعات، با استشهاد به آیات قرآن و سخن پیامبران و امامان و شیوخ صوفیه، که تناسبی نیز با سخن سنایی داشته، شرح شده است تا درک معانی و مفاهیم مورد بحث را آسان کند.

شرح احوال و معرفی اجمالی آثار سنایی غزنوی

حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی، شاعر و حکیم و عارف بزرگ قرن پنجم و اوایل قرن ششم، در سال ۴۶۷ هجری در غزنه متولد شد و در همان شهر به سال ۵۲۹ هجری درگذشت. دوران کودکی و جوانی او در غزنین سپری شد و در همین شهر به تحصیل علوم و معارف زمانه پرداخت و در تمامی میدان‌های معرفت عصر، از ادبیات عرب گرفته تا فقه، ریاضیات و تفسیر و طب و نجوم و حکمت و کلام به درجه والایی رسید و این مقام علمی او را از خاندان بزرگ آنار او می‌توان به روشنی دریافت.

حکیم سنایی از خاندان بزرگ و دودمانی شریف بوده و رضی‌الدین علی لالا، که از مشایخ

بزرگ صوفیه است از همین خاندان بوده است»^۲.

«او در جوانی، هنگامی که هنوز پدرش زنده بود، یک چند به بلخ سفر کرد و این مسافرت گویا برای پیدا کردن شغلی و ممر معیشتی بود، بعد از این سفر، سنایی سفری دیگر به نواحی دورتر خراسان، از جمله سرخس و نیشابور و هرات کرد و بیشترین اقامت او در سرخس بود. در این شهر با محمد بن منصور سرخسی، از صوفیان و علمای عصر که خانقاه مشهوری در سرخس داشت، آشنا شد و یک چند مقیم آن خانقاه بود. معلوم نیست که توجه سنایی به مشرب عرفان و صبغه عرفانی گرفتن شعر وی تا چه حد متأثر از محیط سرخس و اقامت در این خانقاه بوده است.^۳ جمعی از تذکره نویسان نوشته‌اند که سنایی پس از آن که از نرین به خراسان شد دست ارادت در دامن تربیت شیخ المتسایخ ابویوسف همدانی زد و مراد او شد و اکنون در هیچ یک از آثار او و اشعار او کوچکترین اشاره‌ای به ارادت وی نسبت به شیخ مذکور نیست»^۴.

سنایی در ابتدای شاعری مدح سلطان غزنوی و درباریان را نموده و عمده قصاید مدحیهی خویش را در غزنین سروده، سلطان مسعود و نند او و وزراء و قضات آن عهد را ستوده است، که بنا به گفته بعضی از تذکره نویسان بعد از تغییر حال بیشتر آن مدایح را از میان برده است.

در باره دگرگونی احوالش حکایت‌هایی اختصاراً که مرحوم مدرس رضوی در مقدمه دیوان سنایی نقل کرده است^۵ و مشهورترین آن‌ها قصه‌ی دیوانه‌ی لاجوردی که مجملش چنین است که سنایی وقت سحری قصد حمام کرد چون به گلخن حمام گذارش افتاد آنرا به گوشش رسید به سوی آواز

۲. سنایی غزنوی، ابوالمجد مجذوبین آدم، دیوان، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، چاپ دوم، کتابخانه سنایی، تهران، ۱۳۶۲، مقدمه، ص ۳۳.

۳. نسیمی کدکنی، محمد رضا، تازیانه‌های سلوک، صص ۱۴ و ۱۵.

۴. سنایی غزنوی، ابوالمجد مجذوبین آدم، دیوان، مقدمه مرحوم مدرس رضوی، ص ۴۴.

۵. همان اثر، صص ۷۰ و ۷۱.

شد و از دریچه گلخن نگریست دید که مرد گلخنی با مجذوب مشهور به دیوانه‌ی لایخوار نشسته و سبویی که در آن قدری دُرد و لای شراب بود با ظرفی سفالین در برابر نهاده و در آن حال از گلخنی قدحی خواست و گفت: بده به کوری چشم سنائی شاعر که نداند خدا او را برای چه آفریده و او پیوسته روزگار خویش به ستایشگری صرف کرده و گزافی چند در کاغذ نوشته که به هیچ کار وی نمی‌آید اگر در آن سرای از او پرسند که برای این روز چه اندوخته‌ای و با خود چه آورده‌ای که درگاه فرد یگانه را زرد قشیده و مدح پادشاهان را عرضه خواهد داشت.

«این سخن که سنایی در واقع تنبیهی بود چنان مؤثر افتاد که بی‌درنگ آن عزیمت از سر بنهاد و به خانه بازگشت و با سرادج حیات هشیار شد و در به روی خلق بست و عزلت و انزوا اختیار کرد و راه فقر و شیوه سلوک پیش گرفت، تا به رتبه بلند رسید»^۶.

اما این تنها یک روی سکه است. با صرف نظر از حکایت‌های ساخته شده درباره‌ی دگرگونی احوال سنایی، با توجه به اخلاق او، طرز سبک و ساحت رجودیش آشکار می‌شود که اگر چه او پادشاه و وزرا و قضات غزنه را ستوده و از آن‌ها درخواست صلت و جایزه می‌کرده است «شاید این از جهت فقر و بی‌چیزی و (جبر محیط) بوده است زیرا که در همان قصاید، اشعار چندیست که دلیل بر مناعت طبع و علو همت شاعر می‌باشد و پیداست که حکیم از اشتیاقی زیست که برای جمع مال و بدست آوردن زروسیم خود را یست و زیون کند و هر دون و ناکسی را رستاد و می‌گوید^۷ «ظاهراً همین دوگانگی و متلون بودن مفاهیم شعر سنایی است که عده‌ای از تذکره‌نویسان و محققان از آن‌ها محققان، به دو دوره‌ی متفاوت در زندگی او معتقد شده‌اند. اما با توجه به اخلاق شاعر و متلون بودن اشعارش استاد شفیع کدکنی معتقد است که «میان دو سطح شاعری او و در فاصله دو ساحت وجود او، هیچ مرز

۶. همان جا.

۷. همان اثر، ص ۶۰.

زمانی وجود نداشته و او تا پایان عمر میان این دو عالم، در نوسان بوده است.^۸ جالب است که شمس تبریزی نیز به خاطر همین دوگانگی ساحت وجودی او و دو گونگی شعرش، نام او را در مقالاتش گاهی با صفت متلون ذکر کرده است.^۹

در هر حال، سنایی در سال‌های پایانی عمر، دوباره به غزنین بازگردید و به جمع‌آوری آن دسته از شعرهای عرفانی و اخلاقی خویش که در قالب مثنوی و در بحر خفیف سروده شده بود پرداخت و قصد داشت که منظومه‌ای مرکب از فصول متنوع در باب اخلاق و عرفان به نام «فخری نامه» یا «حدیقه حقیقه» فراهم سازد و آن را تقدیم محضر بهرام شاه غزنوی پادشاه عصر خویش کند که در حق سنایی عقیده تمام است. هرگز کار جمع‌آوری و تنظیم ابواب و فصول حدیقه یا فخری نامه به پایان نرسیده بود که به دنیا بیمار، کوتاهی در شب در شب یک‌شنبه یازدهم شعبان سال ۵۲۹ هجری زندگی را بدرود گفت.^{۱۰}

سبک شعر سنایی

سنایی در آغاز حال از سبک عنصری و فرخی و گاه مسعود سعد سلمان پیروی می‌کرده و مخصوصاً به روش فرخی بسیار مایل بوده است و آن را در قصاید مدحی او نمایان است ولی به‌طور کلی چون وی علاوه بر ذوق فروزان و طبع روان، حکیم و فیلسوف بوده و به رموز علوم آن زمان وقوف داشته از این جهت اشعارش تحت تأثیر معلوماتش بوده است. مسلم است که او پس از اقامت در بلخ و مدتی در سرخس و نیشابور اسلوب دیگری را که خاص و نایب است پیش گرفته است که

۸. شفیع کدکنی، محمدرضا، تازیانه‌های سلوک، ص ۱۶.

۹. شمس تبریزی، مقالات، به تصحیح احمد خوشنویس، چاپ اول، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، تهران، ۱۳۴۹، ج ۳ ص ۳۲ و ۵۳.

۱۰. شفیع کدکنی، محمدرضا، تازیانه‌های سلوک، صص ۱۶ و ۱۷ با تلخیص.

همان قصاید زهدیه او می‌باشد. درباره قصایدش دکتر شفیع گویند: «اگر به مجموعه‌ای از عناصر سازنده یک قصیده که عبارت است از «ویژگی زبان»، «تازگی طرح و پیرنگ» و «بدعت‌ها و بدایع» در قلمرو «بلاغت خاص» قصیده، توجه کنیم و برای «مضمون» و «حال و هوا» و «فضای عاطفی» خاص شعر زهد و مثل، که شیوه خاص سنایی است اهمیت لازم قائل شویم، می‌توانیم بگوییم که او یکی از بزرگترین قصیده‌سرایان زبان فارسی است و در عالم خودش همان ارزش را دارد که ناصر خسرو و خاقانی و راجهری در عوالم ویژه‌ی خویش دارند و این توفیق بزرگی است که تاریخ نصیب سنایی کرده است. ویژه که او در تاریخ تحول غزل نیز سهمی عظیم دارد و نیز حقیقه‌ی او یکی از شاهکارهای بی‌ما: - مثنوی را بی تاریخ ادبیات ایران است»^{۱۱} که درباره آن به تفصیل سخن خواهیم گفت.

آثار سنایی

آثاری که از سنایی باقیست و بدو نسبت داده شده بدین قرار است:^{۱۲}

۱. کلیات دیوان که شامل مدایح و زهدیات و تندیات و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند و قطعات و رباعیات است و عدد ابیات آن بالغ بر ۱۳۷۸۰ بیت می‌باشد.
۲. مثنوی حقیقه الحقیقه که به نام‌های الهی‌نامه و فخری‌نامه نیز خوانده شده است که حدود ده هزار بیت بوده و در این رساله به تفصیل درباره آن سخن گفته شده است.
۳. مثنوی طریق‌التحقیق که در بیان معارف و حقایق است بر وزن حقیقه و عدد ابیات آن در حدود ۸۷۳ بیت است.

۱۱. همان اثر، ص ۳۷.

۱۲. سنایی غزنوی، دیوان ابوالمجد مجدود بن آدم، مقدمه مرحوم مدرس رضوی، صص ۸۲-۸۹ یا تلخیص.

۴. مثنوی سیرالعباد الی المعاد که سنایی این را به نام سیف‌الحق محمد بن منصور سرخسی ساخته است. این مثنوی نیز بر وزن حدیقه بوده و ابیات آن بیش از ۷۹۹ بیت است. «این مثنوی منظومه‌ای است رمزی و عرفانی که در آن نوعی سفر به عالم روحانیت، به نظم‌ی سخته و استوار بیان شده و یکی از مشهورترین منظومه‌های عرفانی زبان فارسی است»^{۱۳}.

۵. مثنوی کارنامه بلخ یا مطایبه نامه، منظومه کوتاهی است در حدود ۵۰۰ بیت که بر وزن حدیقه می‌باشد و سنایی آن را در اوقات توقف در بلخ به نظم درآورده است و در این مثنوی هر طایفه‌ای را خاصه اهل دیوان در جایی از شعرای زمان خویش را ستوده و یا به هزل با آن‌ها مطایبه کرده است.

۶. مثنوی عشق نامه، سوی که یکی است که از ۲۴۰ بیت تجاوز نمی‌کند. در این مثنوی سنایی خطاب به باد کرده و آن را در میان می‌شناسد. استاد دکتر شفیعی کدکنی معتقد است که به قراین سبک‌شناسی و به دلیل نسخه‌شناسی این مثنوی می‌توان آن را سنایی باشد^{۱۴}.

۷. مثنوی عشق نامه، که در کیفیت رتبا بین عشق و روح و وحدت و قدوم و حدوث و بعضی حکایات و تمثیلات نظیر کتاب حدیقه است. استاد دکتر شفیعی کدکنی این منظومه نیز که در مجموعه «مثنوی‌های حکیم سنایی» به نام او چاپ شده است سبک سخن و اسلوب شعرها از عوالم سخن سنایی به دور است^{۱۵}.

۸. سنایی آباد، منظومه‌ی کوچکی است که استاد مدرّس رضوی «استاد این سخن محمد بن علی رفا که در مقدمه‌ی کتاب حدیقه گفته است که «... و سنایی آبادی آورد...» آن را در مجموعه مثنوی‌های سنایی انتشار داده است که دکتر شفیعی کدکنی احتمال داده است، از آن یکی در شعری قرن دهم باشد»^{۱۶}.

۱۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا، تازیانه‌های سلوک، مقدمه، ص ۱۸.

۱۴. همان اثر، ص ۱۹.

۱۵. همان جا.

۱۶. همان جا.

۹. تحریمه القلم یا تجربه العلم دارای ۲۲۰ بیت است که خطاب به قلم سروده است.

۱۰. رساله‌ی مقدمه‌ی نثری که بعضی آن را مقدمه‌ی حدیقه در برابر مقدمه رفّا ذکر کرده‌اند مسلّمًا ریخته‌ی قلم و نتیجه قریحه حکیم می‌باشد که در نهایت فصاحت و بلاغت انشا شده است.

۱۱. مکاتیب سنایی، استاد نذیراحمد از محققان برجسته هند، مجموعه آثار منثور سنایی را که محدود به چند نامه است در یک کتاب گردآوری و نقد و بررسی کرده است و آن را مکاتیب سنایی خوانده است.^{۱۷}

ارزش حدیقه الحقیقه

هنگام مطالعه پژوهش‌های انجام شده درباره سنایی و آثار او، به این مسأله پی می‌بریم که سخن گفتن درباره سنایی و سبک شعری او به تنهایی نمی‌تواند نیاز خواننده آثار او را که همانا آشنایی با افکار و عقاید حکیمانه و عارفانه سنایی و بهره‌مندی از آن است، برآورده سازد. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که سنایی در سرایندگی دارای جامع‌روان و فکر عالی و ذوق سلیم و دیگر خصایص شاعر زبردست بوده و توانسته است دیوان اشعاری ترتیب دهد که حاوی قصاید و غزلیات و دیگر قالب‌های شعری عالی عارفانه است و همچنین با آشنایی با ملاحاتی که به معارف و علوم اسلامی به خصوص علوم ادبی، تفسیر، حدیث، حکمت، منطق، کلام، عرفان و ... داشته و با آگاهی به رموز کار توانسته است مثنوی حدیقه الحقیقه را که واسطه العقد آثار اوست به وود آورد. در وصف آن گفته شده است که حکیم سنایی موفق شده است معانی باریک عرفانی و مطالب فلسفی را که تا آن زمان به این شکل کامل به نظم در نیامده بود ترتیب دهد و ...^{۱۸}

۱۷. همان اثر، ص ۱۸.

۱۸. سنایی غزنوی، ابوالجد محمدودین آدم، حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، جاب سوم، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، صص ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲ - ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۵ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۴ - ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۸۸ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۷ - ۱۹۸ - ۱۹۹ - ۲۰۰ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۰۴ - ۲۰۵ - ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲ - ۲۱۳ - ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۱۷ - ۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۲۰ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۴ - ۲۲۵ - ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۳۳ - ۲۳۴ - ۲۳۵ - ۲۳۶ - ۲۳۷ - ۲۳۸ - ۲۳۹ - ۲۴۰ - ۲۴۱ - ۲۴۲ - ۲۴۳ - ۲۴۴ - ۲۴۵ - ۲۴۶ - ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۲۵۱ - ۲۵۲ - ۲۵۳ - ۲۵۴ - ۲۵۵ - ۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۵۸ - ۲۵۹ - ۲۶۰ - ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۶۶ - ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۲۶۹ - ۲۷۰ - ۲۷۱ - ۲۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۸۸ - ۲۸۹ - ۲۹۰ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۲۹۵ - ۲۹۶ - ۲۹۷ - ۲۹۸ - ۲۹۹ - ۳۰۰ - ۳۰۱ - ۳۰۲ - ۳۰۳ - ۳۰۴ - ۳۰۵ - ۳۰۶ - ۳۰۷ - ۳۰۸ - ۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۲ - ۳۱۳ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۱۶ - ۳۱۷ - ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۲۶ - ۳۲۷ - ۳۲۸ - ۳۲۹ - ۳۳۰ - ۳۳۱ - ۳۳۲ - ۳۳۳ - ۳۳۴ - ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷ - ۳۳۸ - ۳۳۹ - ۳۴۰ - ۳۴۱ - ۳۴۲ - ۳۴۳ - ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶ - ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۳۴۹ - ۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۵۲ - ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۵۷ - ۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۳ - ۳۶۴ - ۳۶۵ - ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۷۷ - ۳۷۸ - ۳۷۹ - ۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۲ - ۳۸۳ - ۳۸۴ - ۳۸۵ - ۳۸۶ - ۳۸۷ - ۳۸۸ - ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۳۹۱ - ۳۹۲ - ۳۹۳ - ۳۹۴ - ۳۹۵ - ۳۹۶ - ۳۹۷ - ۳۹۸ - ۳۹۹ - ۴۰۰ - ۴۰۱ - ۴۰۲ - ۴۰۳ - ۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۰۸ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۱۲ - ۴۱۳ - ۴۱۴ - ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۱۷ - ۴۱۸ - ۴۱۹ - ۴۲۰ - ۴۲۱ - ۴۲۲ - ۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۴۲۶ - ۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۲۹ - ۴۳۰ - ۴۳۱ - ۴۳۲ - ۴۳۳ - ۴۳۴ - ۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۳۷ - ۴۳۸ - ۴۳۹ - ۴۴۰ - ۴۴۱ - ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۴ - ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۵۱ - ۴۵۲ - ۴۵۳ - ۴۵۴ - ۴۵۵ - ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۱ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۶۴ - ۴۶۵ - ۴۶۶ - ۴۶۷ - ۴۶۸ - ۴۶۹ - ۴۷۰ - ۴۷۱ - ۴۷۲ - ۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۵ - ۴۷۶ - ۴۷۷ - ۴۷۸ - ۴۷۹ - ۴۸۰ - ۴۸۱ - ۴۸۲ - ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۴۸۶ - ۴۸۷ - ۴۸۸ - ۴۸۹ - ۴۹۰ - ۴۹۱ - ۴۹۲ - ۴۹۳ - ۴۹۴ - ۴۹۵ - ۴۹۶ - ۴۹۷ - ۴۹۸ - ۴۹۹ - ۵۰۰ - ۵۰۱ - ۵۰۲ - ۵۰۳ - ۵۰۴ - ۵۰۵ - ۵۰۶ - ۵۰۷ - ۵۰۸ - ۵۰۹ - ۵۱۰ - ۵۱۱ - ۵۱۲ - ۵۱۳ - ۵۱۴ - ۵۱۵ - ۵۱۶ - ۵۱۷ - ۵۱۸ - ۵۱۹ - ۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۳ - ۵۲۴ - ۵۲۵ - ۵۲۶ - ۵۲۷ - ۵۲۸ - ۵۲۹ - ۵۳۰ - ۵۳۱ - ۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۷ - ۵۳۸ - ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۵۴۱ - ۵۴۲ - ۵۴۳ - ۵۴۴ - ۵۴۵ - ۵۴۶ - ۵۴۷ - ۵۴۸ - ۵۴۹ - ۵۵۰ - ۵۵۱ - ۵۵۲ - ۵۵۳ - ۵۵۴ - ۵۵۵ - ۵۵۶ - ۵۵۷ - ۵۵۸ - ۵۵۹ - ۵۶۰ - ۵۶۱ - ۵۶۲ - ۵۶۳ - ۵۶۴ - ۵۶۵ - ۵۶۶ - ۵۶۷ - ۵۶۸ - ۵۶۹ - ۵۷۰ - ۵۷۱ - ۵۷۲ - ۵۷۳ - ۵۷۴ - ۵۷۵ - ۵۷۶ - ۵۷۷ - ۵۷۸ - ۵۷۹ - ۵۸۰ - ۵۸۱ - ۵۸۲ - ۵۸۳ - ۵۸۴ - ۵۸۵ - ۵۸۶ - ۵۸۷ - ۵۸۸ - ۵۸۹ - ۵۹۰ - ۵۹۱ - ۵۹۲ - ۵۹۳ - ۵۹۴ - ۵۹۵ - ۵۹۶ - ۵۹۷ - ۵۹۸ - ۵۹۹ - ۶۰۰ - ۶۰۱ - ۶۰۲ - ۶۰۳ - ۶۰۴ - ۶۰۵ - ۶۰۶ - ۶۰۷ - ۶۰۸ - ۶۰۹ - ۶۱۰ - ۶۱۱ - ۶۱۲ - ۶۱۳ - ۶۱۴ - ۶۱۵ - ۶۱۶ - ۶۱۷ - ۶۱۸ - ۶۱۹ - ۶۲۰ - ۶۲۱ - ۶۲۲ - ۶۲۳ - ۶۲۴ - ۶۲۵ - ۶۲۶ - ۶۲۷ - ۶۲۸ - ۶۲۹ - ۶۳۰ - ۶۳۱ - ۶۳۲ - ۶۳۳ - ۶۳۴ - ۶۳۵ - ۶۳۶ - ۶۳۷ - ۶۳۸ - ۶۳۹ - ۶۴۰ - ۶۴۱ - ۶۴۲ - ۶۴۳ - ۶۴۴ - ۶۴۵ - ۶۴۶ - ۶۴۷ - ۶۴۸ - ۶۴۹ - ۶۵۰ - ۶۵۱ - ۶۵۲ - ۶۵۳ - ۶۵۴ - ۶۵۵ - ۶۵۶ - ۶۵۷ - ۶۵۸ - ۶۵۹ - ۶۶۰ - ۶۶۱ - ۶۶۲ - ۶۶۳ - ۶۶۴ - ۶۶۵ - ۶۶۶ - ۶۶۷ - ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۷۰ - ۶۷۱ - ۶۷۲ - ۶۷۳ - ۶۷۴ - ۶۷۵ - ۶۷۶ - ۶۷۷ - ۶۷۸ - ۶۷۹ - ۶۸۰ - ۶۸۱ - ۶۸۲ - ۶۸۳ - ۶۸۴ - ۶۸۵ - ۶۸۶ - ۶۸۷ - ۶۸۸ - ۶۸۹ - ۶۹۰ - ۶۹۱ - ۶۹۲ - ۶۹۳ - ۶۹۴ - ۶۹۵ - ۶۹۶ - ۶۹۷ - ۶۹۸ - ۶۹۹ - ۷۰۰ - ۷۰۱ - ۷۰۲ - ۷۰۳ - ۷۰۴ - ۷۰۵ - ۷۰۶ - ۷۰۷ - ۷۰۸ - ۷۰۹ - ۷۱۰ - ۷۱۱ - ۷۱۲ - ۷۱۳ - ۷۱۴ - ۷۱۵ - ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۱۸ - ۷۱۹ - ۷۲۰ - ۷۲۱ - ۷۲۲ - ۷۲۳ - ۷۲۴ - ۷۲۵ - ۷۲۶ - ۷۲۷ - ۷۲۸ - ۷۲۹ - ۷۳۰ - ۷۳۱ - ۷۳۲ - ۷۳۳ - ۷۳۴ - ۷۳۵ - ۷۳۶ - ۷۳۷ - ۷۳۸ - ۷۳۹ - ۷۴۰ - ۷۴۱ - ۷۴۲ - ۷۴۳ - ۷۴۴ - ۷۴۵ - ۷۴۶ - ۷۴۷ - ۷۴۸ - ۷۴۹ - ۷۵۰ - ۷۵۱ - ۷۵۲ - ۷۵۳ - ۷۵۴ - ۷۵۵ - ۷۵۶ - ۷۵۷ - ۷۵۸ - ۷۵۹ - ۷۶۰ - ۷۶۱ - ۷۶۲ - ۷۶۳ - ۷۶۴ - ۷۶۵ - ۷۶۶ - ۷۶۷ - ۷۶۸ - ۷۶۹ - ۷۷۰ - ۷۷۱ - ۷۷۲ - ۷۷۳ - ۷۷۴ - ۷۷۵ - ۷۷۶ - ۷۷۷ - ۷۷۸ - ۷۷۹ - ۷۸۰ - ۷۸۱ - ۷۸۲ - ۷۸۳ - ۷۸۴ - ۷۸۵ - ۷۸۶ - ۷۸۷ - ۷۸۸ - ۷۸۹ - ۷۹۰ - ۷۹۱ - ۷۹۲ - ۷۹۳ - ۷۹۴ - ۷۹۵ - ۷۹۶ - ۷۹۷ - ۷۹۸ - ۷۹۹ - ۸۰۰ - ۸۰۱ - ۸۰۲ - ۸۰۳ - ۸۰۴ - ۸۰۵ - ۸۰۶ - ۸۰۷ - ۸۰۸ - ۸۰۹ - ۸۱۰ - ۸۱۱ - ۸۱۲ - ۸۱۳ - ۸۱۴ - ۸۱۵ - ۸۱۶ - ۸۱۷ - ۸۱۸ - ۸۱۹ - ۸۲۰ - ۸۲۱ - ۸۲۲ - ۸۲۳ - ۸۲۴ - ۸۲۵ - ۸۲۶ - ۸۲۷ - ۸۲۸ - ۸۲۹ - ۸۳۰ - ۸۳۱ - ۸۳۲ - ۸۳۳ - ۸۳۴ - ۸۳۵ - ۸۳۶ - ۸۳۷ - ۸۳۸ - ۸۳۹ - ۸۴۰ - ۸۴۱ - ۸۴۲ - ۸۴۳ - ۸۴۴ - ۸۴۵ - ۸۴۶ - ۸۴۷ - ۸۴۸ - ۸۴۹ - ۸۵۰ - ۸۵۱ - ۸۵۲ - ۸۵۳ - ۸۵۴ - ۸۵۵ - ۸۵۶ - ۸۵۷ - ۸۵۸ - ۸۵۹ - ۸۶۰ - ۸۶۱ - ۸۶۲ - ۸۶۳ - ۸۶۴ - ۸۶۵ - ۸۶۶ - ۸۶۷ - ۸۶۸ - ۸۶۹ - ۸۷۰ - ۸۷۱ - ۸۷۲ - ۸۷۳ - ۸۷۴ - ۸۷۵ - ۸۷۶ - ۸۷۷ - ۸۷۸ - ۸۷۹ - ۸۸۰ - ۸۸۱ - ۸۸۲ - ۸۸۳ - ۸۸۴ - ۸۸۵ - ۸۸۶ - ۸۸۷ - ۸۸۸ - ۸۸۹ - ۸۹۰ - ۸۹۱ - ۸۹۲ - ۸۹۳ - ۸۹۴ - ۸۹۵ - ۸۹۶ - ۸۹۷ - ۸۹۸ - ۸۹۹ - ۹۰۰ - ۹۰۱ - ۹۰۲ - ۹۰۳ - ۹۰۴ - ۹۰۵ - ۹۰۶ - ۹۰۷ - ۹۰۸ - ۹۰۹ - ۹۱۰ - ۹۱۱ - ۹۱۲ - ۹۱۳ - ۹۱۴ - ۹۱۵ - ۹۱۶ - ۹۱۷ - ۹۱۸ - ۹۱۹ - ۹۲۰ - ۹۲۱ - ۹۲۲ - ۹۲۳ - ۹۲۴ - ۹۲۵ - ۹۲۶ - ۹۲۷ - ۹۲۸ - ۹۲۹ - ۹۳۰ - ۹۳۱ - ۹۳۲ - ۹۳۳ - ۹۳۴ - ۹۳۵ - ۹۳۶ - ۹۳۷ - ۹۳۸ - ۹۳۹ - ۹۴۰ - ۹۴۱ - ۹۴۲ - ۹۴۳ - ۹۴۴ - ۹۴۵ - ۹۴۶ - ۹۴۷ - ۹۴۸ - ۹۴۹ - ۹۵۰ - ۹۵۱ - ۹۵۲ - ۹۵۳ - ۹۵۴ - ۹۵۵ - ۹۵۶ - ۹۵۷ - ۹۵۸ - ۹۵۹ - ۹۶۰ - ۹۶۱ - ۹۶۲ - ۹۶۳ - ۹۶۴ - ۹۶۵ - ۹۶۶ - ۹۶۷ - ۹۶۸ - ۹۶۹ - ۹۷۰ - ۹۷۱ - ۹۷۲ - ۹۷۳ - ۹۷۴ - ۹۷۵ - ۹۷۶ - ۹۷۷ - ۹۷۸ - ۹۷۹ - ۹۸۰ - ۹۸۱ - ۹۸۲ - ۹۸۳ - ۹۸۴ - ۹۸۵ - ۹۸۶ - ۹۸۷ - ۹۸۸ - ۹۸۹ - ۹۹۰ - ۹۹۱ - ۹۹۲ - ۹۹۳ - ۹۹۴ - ۹۹۵ - ۹۹۶ - ۹۹۷ - ۹۹۸ - ۹۹۹ - ۱۰۰۰ - ۱۰۰۱ - ۱۰۰۲ - ۱۰۰۳ - ۱۰۰۴ - ۱۰۰۵ - ۱۰۰۶ - ۱۰۰۷ - ۱۰۰۸ - ۱۰۰۹ - ۱۰۱۰ - ۱۰۱۱ - ۱۰۱۲ - ۱۰۱۳ - ۱۰۱۴ - ۱۰۱۵ - ۱۰۱۶ - ۱۰۱۷ - ۱۰۱۸ - ۱۰۱۹ - ۱۰۲۰ - ۱۰۲۱ - ۱۰۲۲ - ۱۰۲۳ - ۱۰۲۴ - ۱۰۲۵ - ۱۰۲۶ - ۱۰۲۷ - ۱۰۲۸ - ۱۰۲۹ - ۱۰۳۰ - ۱۰۳۱ - ۱۰۳۲ - ۱۰۳۳ - ۱۰۳۴ - ۱۰۳۵ - ۱۰۳۶ - ۱۰۳۷ - ۱۰۳۸ - ۱۰۳۹ - ۱۰۴۰ - ۱۰۴۱ - ۱۰۴۲ - ۱۰۴۳ - ۱۰۴۴ - ۱۰۴۵ - ۱۰۴۶ - ۱۰۴۷ - ۱۰۴۸ - ۱۰۴۹ - ۱۰۵۰ - ۱۰۵۱ - ۱۰۵۲ - ۱۰۵۳ - ۱۰۵۴ - ۱۰۵۵ - ۱۰۵۶ - ۱۰۵۷ - ۱۰۵۸ - ۱۰۵۹ - ۱۰۶۰ - ۱۰۶۱ - ۱۰۶۲ - ۱۰۶۳ - ۱۰۶۴ - ۱۰۶۵ - ۱۰۶۶ - ۱۰۶۷ - ۱۰۶۸ - ۱۰۶۹ - ۱۰۷۰ - ۱۰۷۱ - ۱۰۷۲ - ۱۰۷۳ - ۱۰۷۴ - ۱۰۷۵ - ۱۰۷۶ - ۱۰۷۷ - ۱۰۷۸ - ۱۰۷۹ - ۱۰۸۰ - ۱۰۸۱ - ۱۰۸۲ - ۱۰۸۳ - ۱۰۸۴ - ۱۰۸۵ - ۱۰۸۶ - ۱۰۸۷ - ۱۰۸۸ - ۱۰۸۹ - ۱۰۹۰ - ۱۰۹۱ - ۱۰۹۲ - ۱۰۹۳ - ۱۰۹۴ - ۱۰۹۵ - ۱۰۹۶ - ۱۰۹۷ - ۱۰۹۸ - ۱۰۹۹ - ۱۱۰۰ - ۱۱۰۱ - ۱۱۰۲ - ۱۱۰۳ - ۱۱۰۴ - ۱۱۰۵ - ۱۱۰۶ - ۱۱۰۷ - ۱۱۰۸ - ۱۱۰۹ - ۱۱۱۰ - ۱۱۱۱ - ۱۱۱۲ - ۱۱۱۳ - ۱۱۱۴ - ۱۱۱۵ - ۱۱۱۶ - ۱۱۱۷ - ۱۱۱۸ - ۱۱۱۹ - ۱۱۲۰ - ۱۱۲۱ - ۱۱۲۲ - ۱۱۲۳ - ۱۱۲۴ - ۱۱۲۵ - ۱۱۲۶ - ۱۱۲۷ - ۱۱۲۸ - ۱۱۲۹ - ۱۱۳۰ - ۱۱۳۱ - ۱۱۳۲ - ۱۱۳۳ - ۱۱۳۴ - ۱۱۳۵ - ۱۱۳۶ - ۱۱۳۷ - ۱۱۳۸ - ۱۱۳۹ - ۱۱۴۰ - ۱۱۴۱ - ۱۱۴۲ - ۱۱۴۳ - ۱۱۴۴ - ۱۱۴۵ - ۱۱۴۶ - ۱۱۴۷ - ۱۱۴۸ - ۱۱۴۹ - ۱۱۵۰ - ۱۱۵۱ - ۱۱۵۲ - ۱۱۵۳ - ۱۱۵۴ - ۱۱۵۵ - ۱۱۵۶ - ۱۱۵۷ - ۱۱۵۸ - ۱۱۵۹ - ۱۱۶۰ - ۱۱۶۱ - ۱۱۶۲ - ۱۱۶۳ - ۱۱۶۴ - ۱۱۶۵ - ۱۱۶۶ - ۱۱۶۷ - ۱۱۶۸ - ۱۱۶۹ - ۱۱۷۰ - ۱۱۷۱ - ۱۱۷۲ - ۱۱۷۳ - ۱۱۷۴ - ۱۱۷۵ - ۱۱۷۶ - ۱۱۷۷ - ۱۱۷۸ - ۱۱۷۹ - ۱۱۸۰ - ۱۱۸۱ - ۱۱۸۲ - ۱۱۸۳ - ۱۱۸۴ - ۱۱۸۵ - ۱۱۸۶ - ۱۱۸۷ - ۱۱۸۸ - ۱۱۸۹ - ۱۱۹۰ - ۱۱۹۱ - ۱۱۹۲ - ۱۱۹۳ - ۱۱۹۴ - ۱۱۹۵ - ۱۱۹۶ - ۱۱۹۷ - ۱۱۹۸ - ۱۱۹۹ - ۱۲۰۰ - ۱۲۰۱ - ۱۲۰۲ - ۱۲۰۳ - ۱۲۰۴ - ۱۲۰۵ - ۱۲۰۶ - ۱۲۰۷ - ۱۲۰۸ - ۱۲۰۹ - ۱۲۱۰ - ۱۲۱۱ - ۱۲۱۲ - ۱۲۱۳ - ۱۲۱۴ - ۱۲۱۵ - ۱۲۱۶ - ۱۲۱۷ - ۱۲۱۸ - ۱۲۱۹ - ۱۲۲۰ - ۱۲۲۱ - ۱۲۲۲ - ۱۲۲۳ - ۱۲۲۴ - ۱۲۲۵ - ۱۲۲۶ - ۱۲۲۷ - ۱۲۲۸ - ۱۲۲۹ - ۱۲۳۰ - ۱۲۳۱ - ۱۲۳۲ - ۱۲۳۳ - ۱۲۳۴ - ۱۲۳۵ - ۱۲۳۶ - ۱۲۳۷ - ۱۲۳۸ - ۱۲۳۹ - ۱۲۴۰ - ۱۲۴۱ - ۱۲۴۲ - ۱۲۴۳ - ۱۲۴۴ - ۱۲۴۵ - ۱۲۴۶ - ۱۲۴۷ - ۱۲۴۸ - ۱۲۴۹ - ۱۲۵۰ - ۱۲۵۱ - ۱۲۵۲ - ۱۲۵۳ - ۱۲۵۴ - ۱۲۵۵ - ۱۲۵۶ - ۱۲۵۷ - ۱۲۵۸ - ۱۲۵۹ - ۱۲۶۰ - ۱۲۶۱ - ۱۲۶۲ - ۱۲۶۳ - ۱۲۶۴ - ۱۲۶۵ - ۱۲۶۶ - ۱۲۶۷ - ۱۲۶۸ - ۱۲۶۹ - ۱۲۷۰ - ۱۲۷۱ - ۱۲۷۲ - ۱۲۷۳ - ۱۲۷۴ - ۱۲۷۵ - ۱۲۷۶ - ۱۲۷۷ - ۱۲۷۸ - ۱۲۷۹ - ۱۲۸۰ - ۱۲۸۱ - ۱۲۸۲ - ۱۲۸۳ - ۱۲۸۴ - ۱۲۸۵ - ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ - ۱۲۸۸ - ۱۲۸۹ - ۱۲۹۰ - ۱۲۹۱ - ۱۲۹۲ - ۱۲۹۳ - ۱۲۹۴ - ۱۲۹۵ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۷ - ۱۲۹۸ - ۱۲۹۹ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ - ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ - ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ - ۱۳۱۱ - ۱۳۱۲ - ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ - ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰ - ۱۳۲۱ - ۱۳۲۲ - ۱۳۲۳ - ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ - ۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ - ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱ - ۱۳۳۲ - ۱۳۳۳ - ۱۳۳۴ - ۱۳۳۵ - ۱۳۳۶ - ۱۳۳۷ - ۱۳۳۸ - ۱۳۳۹ - ۱۳۴۰ - ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲ - ۱۳۴۳ - ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ - ۱۳۴۸ - ۱۳۴۹ - ۱۳۵۰ - ۱۳۵۱ - ۱۳۵۲ - ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴ - ۱۳۵۵ - ۱۳۵۶ - ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰ - ۱۳۶۱ - ۱۳۶۲ - ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ - ۱۳۶۵ - ۱۳۶۶ - ۱۳۶۷ - ۱۳۶۸ - ۱۳۶۹ - ۱۳۷۰ - ۱۳۷۱ - ۱۳۷۲ - ۱۳۷۳ - ۱۳۷۴ - ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶ - ۱۳

اما همه این‌ها در جهت شناساندن سنایی به عنوان شاعری است بزرگ، نه به عنوان حکیم و عارف، و آن گونه که به ابعاد شعری او پرداخته شده به ابعاد عرفان آمیخته با حکمت او در حدیقه‌الحقیقه، به صورتی منسجم پرداخته نشده است، زیرا مثنوی حدیقه از معدود کتاب‌هایی است که موضوعاتش متنوع بوده و شایسته بررسی از دیدگاه‌های مختلف است و این خود از سخن محققان درباره حدیقه آشکار است که هر یک علاوه بر جنبه عرفانی به جنبه‌هایی دیگر از آن اشاره کرده‌اند. در این راستا استاد مرحوم مدرس رضوی آن را کتاب حکمت علمی که سرمشق زندگانی مردم و راهنمای اخلاق فردی و اجتماعی بشر است معرفی کرده است^{۱۹}، دکتر محمد جعفر محبوب در کتاب «سبک خراسانی در شعر فارسی» آن را از لحاظ پرداختن به حکمت و اندرز و حکایت بردازی، با کلیله و دمنه و منظومه‌های داستان‌پس از حدیقه در یک ردیف قرار می‌دهد^{۲۰} و یا دکتر شفیع کدکنی علاوه بر موارد فوق، بیشتر آن را به عنوان شعر تعلیمی - تمثیلی عرفانی معرفی می‌نماید^{۲۱}.

در هر حال سخنان مذکور نشان می‌دهد که حدیقه جنبه‌های گسترده‌ای از موضوعات حکمی و عرفانی را داراست که هر کدام از مضامین او دیدگاه و زمینه ذهنی خود از آن بهره گرفته‌اند و این نشان می‌دهد سنایی در حدیقه هیچگاه صنف خاصی را مورد خطاب قرار نداده بلکه به تمام اصناف جامعه زمان خود توجه داشته و در مقام‌های مختلف سخن می‌آنان را مورد خطاب قرار داده است. از این نظر مخاطبان سنایی را به طور کلی می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی کرد: عامه، خاصه (علمای قشری دین) و اخص (سالکان و عارفان)، که به همین روست که سنایی را با عنوان حکیم و عارف یاد می‌کنند چه او در حدیقه به مناسبت حال و مقام سخن به وعظ و اندرز پرداخته و مردم را به انبیا و اعتبار از آفرینش الهی و نظام حاکم بر هستی دعوت می‌کند در اینجا هرگاه سخن ساده و عاری از

۱۹. همان اثر، ص ۸۶.

۲۰. محبوب، محمدجعفر، سبک خراسانی در شعر فارسی، چاپ اول، فردوسی و جامی، تهران، صص ۶۰۳ - ۶۰۴.

۲۱. شفیع کدکنی، محمدرضا، تازیانه‌های سلوک، چاپ اول، آگاه، تهران، ۱۳۷۲، مقدمه، صص ۵۳ - ۵۸.

هرگونه اصطلاح کلامی و عرفانی و علمی بوده و با تمثیلات ساده همراه شده در حقیقت طرف خطایش عامه مردم است و هر جا که سخنان جنبه فلسفی و کلامی و فقهی و حکمت الهی و مانند این‌ها داشته مخاطبش طبقه خواص یعنی علما مخصوصاً علمای دینی و متشرعین و امثال اینان می‌باشد و آن جایی که سخنان آمیزه‌ای از باورهای شریعت و طریقت است مخاطبش بیشتر طبقه اخص یعنی سالکان طریقت بوده که هدفش تبیین و توجیه اصول و مبانی عرفان و تصوف و در نهایت تعلیم آنهاست با ایراد حکایت‌ها، عرفانی و تمثیلاتی در این حدود بدیهی است همین مخاطبان سنایی هرگاه سخن او را به گوش جان شنوده‌اند اعم از عارف و عامی و شاعر و عالم، او را به بزرگواری ستوده‌اند و همین طور است که دورهای پس از نازد سمرشق عارفان شاعری مانند عطار در مثنوی‌هایش و مولانا در مثنوی معنوی‌اش و اوحدی، سفهانی، مراغی در جام جم و شاعران با معلوماتی مانند خاقانی در تحفه العراقرین و نظامی در مخزن الاسرار در ایران دیده است.

علاوه بر موارد یاد شده حدیقه زینت ویژه دیگری نیز دارد و آن این که حدیقه نخستین مثنوی است که جامع اکثر مباحث عرفانی است و همچنین نشانگر اتصال شریعت و طریقت است و این نتیجه همان سیری است که با مراجعه به کتاب‌های پیش از حدیقه به آن می‌رسیم بدین شرح که با توجه به نخستین کتاب‌های تصوف ایران مشخص می‌شود که نویسندگان آن‌ها به طور رسمی وارد مباحث شریعت و اعمال دینی نشده‌اند و کتاب‌هایی مانند «الح» از نصر سراج طوسی (م. ۳۷۸ هـ) و «کشف‌المحجوب» ابوالحسن هجویری غزنوی (م. ۴۶۵ هـ) و «رساله قهریه» ابوالقاسم قشیری نیشابوری (م. ۴۶۵ هـ) تقریباً عرفانی آمیخته با حکمت را معرفی می‌کنند. خواجه عبدالله انصاری نیز همین روش را در حد میدان و منازل السائرین با بارقه‌هایی از شریعت در پیش گرفته است و در ادامه تقریباً کیمیای سعادت (= احیاء علوم الدین) حجة الاسلام امام ابوحماد محمد غزالی (م. ۵۰۵ هـ) به جمع شریعت و طریقت انجامیده و همین سیر تکاملی اتصال شریعت و طریقت در کتاب‌های دیگر تصوف در قرن‌های بعد ادامه یافته است: از مهمترین این کتاب‌ها می‌توان از عوارف المعارف شهاب‌الدین

ابوحفص عمر بن محمد سهروردی (م ۶۳۲ هـ) و مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه ی عزالدین محمود بن علی کاشانی (م ۷۳۵) و غیره نیز نام برد^{۲۲}.

اما اول کسی که مراتب سیر و سلوک عرفانی را به همراه مباحث شریعت در شعر فارسی انعکاس داده سنایی غزنوی است در حدیقه الحقیقه. و با توجه به اینکه تقریباً معاصر محمد غزالی بوده است بالطبع در میانه خط سیر مذکور قرار گرفته و در نتیجه طریقت و شریعت و حقیقت را در حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه جمع و به زبان شعر بیان کرده است. همین موضوع بر ارزش و اهمیت او در دین شرا و عرفا افزوده و از حیث نظم و نثر با اشخاصی چون ناصر خسرو و عطار و مولانا در یک ردیف قرار داده است.

البته با علالت به آن که کار سنایی در حدیقه نخستین تجربه در حیطه ی ادبیات عرفانی بوده است بدیهی است آن نظامی که در نظر بوده است نمی توانست به یکباره و به همان صورت بخته در زبان شعر تحقق یابد و این امر امری طبیعی است. پس از سنایی این عطار است که شیوه ی او را به مراحل از تکامل رسانده و در نهایت مولانا آن را به تعالی بخشیده است و در این میان است که اهمیت جام جم اوحدی که بر وزن و روش حدیقه الحقیقه سنایی و به تقلید و استقبال از آن است نمایان می شود که اگر چه به پیروی از حدیقه ساخته شده، ولی از حیث کیفیت نظر مطالب و حتی از باب کمیت موضوعات نسبت به آن تازگی دارد و علت این امر شاید علاوه بر تمایل روحی به تجربیات پیش از خود در این زمینه، ناشی از توجه او به اوضاع اجتماعی زمان باشد، که ذکر آن بیجا باشد صفا نیز به همین خاطر آن را یکی از بهترین منابع تحقیق در اوضاع اجتماعی زمان شمرده است^{۲۳}.

به هر حال سخنان فوق در حقیقت ذکر عظمت حدیقه و بیانگر اهمیت آن بوده است اما در این

۲۲. نفیسی، سعید، سرچشمه تصوف در ایران، چاپ سوم، کتابفروشی فروغی، تهران - ۱۳۴۳، با تلخیص، صص ۱۰۵ -

۱۱۷.

۲۳. صفا، ذبیح اله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۲/۲، چاپ هشتم، فردوسی، تهران، ۱۳۷۱، صص ۸۳۵ - ۸۳۶.

راستا باید به طرف دیگر موضوع یعنی به موارد شمات و دشمنی برخی مشرعین و حتی شاعران درباره سرودن حدیقه اشاره کرد، که مشرعین مذهبی به بهانه‌ی طرفداری سنایی از امامت حضرت علی و تعریض‌هایی که به مخالفان او از قبیل عایشه و آل مروان و آل زیاد و جز آنان دارد - اگر چه سه خلیفه اول و ائمه فقه اهل سنت را نیز ستایش کرده و خواسته است از شمات دور باشد - معترض او شدند^{۲۴}. همچنین از طرفی به خاطر آوردن کلام الهی در زبان شعر مورد اتهام کفر و نامسلمانی هم بوده است، همان‌که افلاکی روایت می‌کند که «روزی حضرت مولانا علیه‌السلام الله و تحیات در مدرسه نشسته بود، ناگاه ملک‌الشعرا امیر بهاء‌الدین قانعی که خاقانی زمان بود، با جماعت اکابر به زیارت خداوندگار درآمدند، بعد از مدت‌لات بسیار و اجویه و اسله بی‌شمار قانعی گفت که بنده سنایی را هرگز دوست ندارم، از آنکه مسلمانی^{۲۵}، فرمود که چه معنی که مسلمان نبود؟ گفت: از برای آنکه آیات قرآن مجید را در اشعار خردتفصیل کرده است و قوافی ساخته؛ حضرت مولانا به حدت تمام، قانعی را در هم شکسته، فرمود که خمشتن! چه جاس مسلمان! که اگر مسلمانی عظمت او را دیدی کلاه از سرش بیفتادی، مسلمان تویی و هزاران بی‌چون و آواز کونین مسلم بود و کلام خود را که شارح اسرار قرآن است هم بدان صورت زیب داد.....»^{۲۵}

سنایی اگر چه حدیقه را در تبیین حکمت و عرفان سر راه است ولی آن را چنان پرداخته است که گویی خود او در منبر مسجد و حلقه‌ی خانقاه و در میان اصناف بنامه قرار گرفته و این سخنان را ایراد کرده است بنابراین تنها نقش یک نویسنده‌ی صرف و نظریه‌پرداز نداشته است بلکه در رابطه با ساختمان حدیقه‌اش هم مهندس است و هم بنا. پس اگر چه ما در وهله‌ی اول به سی حدیقه به یک

۲۴. رجوع شود به حدیقه‌الحقیقه، باب سوم، فصلهای مدح خلفا و رجال دین و همچنین در تعریض او به معاویه و آل مروان و آل زیاد و ... رجوع شود به ص ۲۵۹.

۲۵. الافلاکی العارفی، شمس الدین احمد، مناقب العارفین، بکوشش تحسین یازجی، ج اول، ج دوم، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۲۱.

بی‌نظمی در ظاهر حدیقه در ارائه اندیشه حکمی - عرفانی برخورد می‌کنیم اما این نیز از واقعیت‌گرایی و آرمان‌خواهی سنایی ناشی شده است چه او در مقام‌های مختلف سخن به اقتضای روزگار و جامعه سخن گفته است. در این راستا او هنگامی که شخص سالکی را مورد خطاب قرار داده است اموری را نیز از جهت اخلاقی برای برخورد مسالمت‌آمیز او با اصناف جامعه و یا دوری از رذایل آن گوشزد کرده است و یا هنگامی که مردم غیرخانقاهی و غریب از مسجد را مخاطب خود ساخته است آن‌ها را به درک راه عرفان و سلوک اخلاقی سوق داده است. پس جلوه‌ی ظاهری بی‌نظم حدیقه در بیشتر موضوعات خود رهنه بی‌نظم عمیق و درونی آنست و این نیز خود نشانگر تلفیق اصولی عرفان و حکمت، مخصوصاً ترتیب‌شده که پایه اساسی عرفان است می‌باشد.

معرفی باب‌های حدیقه

وقتی که سخن از حکمت به میان می‌آید، بیشتر ذهن خواننده متوجه بحث‌های دقیق فلسفی از قبیل وجود و ماهیت، اقسام وجود، سر و عرض، ذات و صفات واجب الوجود و ... می‌شود. در واقع این عرفان و آمیزش با مباحث عرفانی است که خشکی و جنبه نظری صرف حکمت را تلطیف کرده و موافق طبع مردم ساخته است. در آثار عرفانی بحث‌های کمی - عرفانی مانند خدا، انسان و چگونه بودن انسان در نظام هستی، چنان تلفیق یافته است که - در اکثر این بحث‌ها تحت عنوان قسمتی از حکمت یا عرفان غیر ممکن می‌نماید و در اثر همین تلفیق است که عرفان جذابیت پیدا می‌کند.

همین امر در کتاب‌های بزرگ عرفانی مخصوصاً کتاب‌های بعد از قرن پنجم که بیشتر از کتاب‌های پیشین با شریعت آمیخته شده به وضوح نمایان است. از میان این کتاب‌ها می‌توان از کیمیای سعادت امام محمد غزالی، مصباح الهدایه عزالدین محمود کاشانی به عنوان نمونه‌های اعلای آثار منشور عرفانی و از حدیقه‌الحقیقه سنایی غزنوی و مشوی معنوی مولانا به عنوان مثل‌های والای متون منظوم ادب فارسی نام برد به خصوص در بررسی حدیقه‌الحقیقه به این تلفیق جدانشدنی موضوعات حکمت و

عرفان بیشتر بر می‌خوریم اگر چه ممکن است در مراجعات گذرا و شتابزده، فصل‌بندی کتاب دریافتن موضوع به کمک آید ولی در مطالعه و بررسی دقیق ناگزیریم بیشتر به متن توجه کنیم تا عنوان‌ها، چه بیشتر اتفاق می‌افتد که شاعر در حین ایراد موضوع عنوان‌ها مباحث دیگری را نیز در آن میان مطرح کند و چه بسا که از عنوان اصلی دور شود. این مساله در باب‌های اول و سوم و ششم و هفتم - حتی در مناجات‌هایش - بیشتر صدق می‌کند. البته این به آن معنی نیست که حدیقه کتاب نامنظمی است بلکه منظور این است که با توجه به تلفیق اصولی حکمت و عرفان و شریعت در حدیقه از یک طرف و به عنوان دلیل تجربی شعری در این باره از طرف دیگر، نباید آن نظام و ترتیبی را که در نثر در ارائه این موضوعات وجود داشته، از ظاهر حدیقه انتظار داشت. با این حال زبان شعری سنایی در بیشتر موارد پخته بوده و کلامی سهل و سلیس می‌نماید.

گذشته از این اگر سنایی مهلت برای بازخوانی حدیقه پیدا می‌کرد حتماً متن کتاب از این نیز پخته‌تر می‌شد و بسا که برخی ابیات تکوینی و احیاناً مجهول را از آن حذف می‌کرد.

در هر حال حدیقه الحقیقه کتابی حکمی و عرفانی منظوم است که مطالب آن از جهتی با حکمت و از جهتی با عرفان مرتبط است و در بحث‌های مختلف کتاب حتی مباحث کلامی نیز به میان می‌آید. به طور کلی مباحث سنایی در باب اول در فقه و اصول و استنباط حکمت الهی از توحید و تقدیس و تنزیه و صفات الهی است که اغلب به کلانم مربوط است. آن راه رفته رفته سخن را به معرفت و سلوک عرفانی می‌کشاند ولی باز در میان آن‌ها ابیاتی در حکمت الهی، آن مگر کند با این حال باب اول از جهت اشتغال مباحث مشترک و آمیخته‌ی حکمت و عرفان در صد بیشتر، از مفاهیم و معانی حکمی - عرفانی را در مقایسه با باب‌های دیگر کتاب را داراست. در باب دوم موضوع بیشتر جنبه‌ی کلامی دارد و حکیم سنایی علاوه بر ایراد فصل‌هایی در وصف و تمجید و تجلیل قرآن در میان آن‌ها به مباحث کلامی مانند حدوث یا قدم قرآن و نظایر این‌ها پرداخته است که متنازع فیه فرقه‌های اسلامی بوده است. باب سوم تقریباً ادامه‌ی همان مباحث حکمی و کلامی است اعم از نبوت، تمجید و توصیف

پیامبر و دین او و وصف جانشینان پیامبر، سنایی در این باب به عنوان مسلمانی غیر متعصب متمایل به شیعه که سخنانش بویی از عرفان و تصوف دارد، جلوه می‌کند. قید عدم تعصب درباره‌ی او بدان جهت است که از طرفی هم خلفای سه‌گانه و هم امامان شیعه را مدح می‌کند و از طرفی دیگر بزرگان مذاهب کلامی بعد از آن‌ها را می‌ستاید. سپس فصل‌هایی در حکمت عملی ایراد می‌کند. در باب چهارم سخن را به وصف و ستایش عقل و خرد اختصاص می‌دهد. در اینجا سخن او به سخن فردوسی و ناصرخسرو در خردگویی شهادت پیدا می‌کند. به دنبال آن باب پنجم را در موضوع علم قرار داده و بدین ترتیب نوعی ارتباط معنوی با باب چهارم برقرار می‌سازد در این مواقع است که طبیعتاً پای مقایسه‌ی عشق و عقل به میان می‌آید و شش نیز مطرح می‌شود و به دنبال آن مجالی می‌یابد تا از دل و درجات آن و نحوه‌ی پرورش این سخن بگوید. در باب ششم اگر چه محور سخن نفس کلی است ولی باز مباحث به آمیزش عرفان و حکمت انجام می‌گیرد که از این جهت حاوی دقایق حکمی و عرفانی می‌باشد همچنین در این باب بیشتر از جاهای شعر به مقام مذمت دنیا و زشتی‌ها و متعلقات آن برآمده است. این قسمت‌ها سخن ناصرخسرو را به یاد می‌آورد. در باب هفتم خطاب سنایی در این فصل‌ها بیشتر عامه مردم است. باب هفتم تقریباً دنباله باب ششم است. شاعر علاوه بر ذکر عنوان‌هایی مانند عناوین پیشین با مضامینی مشترک، فصل‌هایی درباره‌ی انسان و مرگ و درباره‌ی تصوف می‌آورد و باز به حکمت و موعظه می‌پردازد. باب هشتم بیشتر اختصاص به مدح دارد و در میان آن‌ها نیز به حکمت و اندرز پرداخته است. باب نهم و دهم اگر چه در ظاهر چیزی جز مدح و ستایش و هجو نمی‌نماید ولی باز حاوی نتیجه‌گیری‌های اخلاقی است ولی هرچه باشد اصلاً نمی‌توان باب‌های یازدهم، حذیق را با باب‌های نخستین مقایسه نموده و آن‌ها را در یک ردیف قرار داد.

به هر حال در کل آن چه به کلام سنایی ارزش خاص داده نه تنها مضامین عرفانی - حکمی بلکه بهره‌گیری از کاربرد حکایات و تمثیلات است که سنایی به این امر واقف بوده است که طرح جنبه‌های حکمت و موعظه و عرفان به شکل قصص، خود یک وسیله مؤثر در روح افراد مختلف اعم

درآمدی بر حدیقه الحقیقه سنایی غزنوی..... ۲۰

از عامی و عارف است. به همین جهت است که حدیقه الحقیقه، مثنوی تعلیمی عرفانی - حکمی جلوه نموده و نظرها را به خود جلب کرده است و در ادامه همین شیوه است که ما در متون عرفانی مخصوصاً مثنوی‌هایی مانند منطق الطیر و مثنوی معنوی مولانا، علاوه بر استدلال‌ات تمثیلی شاهد یک حالت نمادگرایانه و رمزگرایانه هستیم.

www.ketab.ir